

چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ ۲۶ رمضان ۱۴۴۱ ۲۰۰۱ می ۲۰۲۰

برای برگرادی مجازی عجله نکنیم

بودجه نمایشگاه کتاب کارشناسی شود



شاید راهاندازی چنین ساختاری، سخت و پیچیده باشد.

کیان‌افراز ادامه داد: بنابراین با مطرح بودن امکان برگزاری مجازی نمایشگاه، شاید بهتر باشد اصلاً برگزار نشود چون اگر بخواهد به‌طور مجازی برگزار شود، با این حجم بالای کاربران که می‌خواهند از یک‌سیستم یک‌پارچه استفاده کنند، معلوم نیست چه‌میزانی از توفیق حاصل شود و شاید آن معنی نمایشگاه و کاربردهای اصلی‌اش از بین برود! از طرفی اگر بحث اجر و برگزاری نمایشگاه کتاب با همان رویکرد همیشگی است، می‌تواند برای یک‌سال برگزار نشود و سال آینده با همان روال برپا شود.

نامه انجمن زنان ناشر به اتحادیه ناشران و ارائه راهکار پیشنهادی
عضو هیات مدیره انجمن صنفی زنان ناشر گفت: به‌نظرم برای برگزاری مجازی نمایشگاه، نیازی به عجله نیست، چون باید بیشتر فکر و کار کارشناسی کرد؛ این‌که در این‌شرایط چه‌کار باید کرد و بودجه نمایشگاه را چگونه هزینه کرد. همان‌طور که اشاره کردم، انجمن صنفی زنان ناشر، با توجه به برگزاری‌نشدن نمایشگاه، ماه گذشته نامه‌ای به اتحادیه ناشران نوشت که در آن، درخواست و پیشنهادی داشتیم. پیشنهادمان

رولد دال به کمک آسیب دیدگان کرونا آمد

کتاب‌خوانی خیریه چهره‌ها

به نیازمندان این داستان را بازتعریف کنم. این داستان عجیب و

فوق‌العاده درباره مقاومت در کودکان، پیروزی بر مشکلات و کنار آمدن با حس انزوا است که باعث می‌شود امروز بسیار مرتبط با زمانه باشد».

وایتیتی از قبل با شرکت رولد دال استوری در ارتباط بود. اوایل امسال او به عنوان نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده اجرایی دو سریال انیمیشن اوریجینال برای نتفلیکس بر پایه «چارلی و کارخانه شکلات» دال معرفی شد. جدا از این پروژه‌ها، او همچنین قرار است کارگردان فیلم جدید «جنگ ستارگان» برای لوکاس‌فیلم باشد بازخوانی این کتاب برای «پارتنرز این هلت» سرمایه جمع می‌کند که یک صندوق سلامت جهانی غیرانتفاعی است که توسط اوفیلیا دال، دختر رولد دال تأسیس شده است. مأموریت این صندوق شامل مبارزه با کووید -۱۹ و حمایت از سیستم سلامت عمومی در آسیب‌پذیرترین بخش‌های دنیا می‌شود. شرکت رولد دال استوری هم اعلام کرده تا سقف یک میلیون دلار، با توجه به پول‌های اهدایی به صندوق کمک می‌کند. این شرکت اخیراً ۱.۳ میلیون دلار برای کمک به سلامت مادران در سیرا لئون اهدا کرد.

اوفیلیا دال گفت: «پدرمان در ما در دوران کودکی این ایده

جهان پس از کرونا استقبال بیشتری از فکر و فرهنگ می‌کند

این نمایشنامه را اجرا کرده و تصاویر زیبا از سیمرغ را ارائه می‌دهد.

وی با بیان اینکه باید منتظر برنامه‌های باشکوه و زیبا در سال نامگذاری عطار نیشابوری از سوی یونسکو باشیم اظهار داشت: برای هزاره خیام تلاش می‌کنیم و برنامه عطار را در دستور کار داریم که از سوی کمیسیون ملی یونسکو و با حمایت یونسکو اجرا می‌شود؛ مانند برنامه‌هایی که برای شیخ اشراق انجام شد. برنامه‌هایی در این زمینه تدوین شده که به دلیل شیوع کرونا متوقف شد؛ البته کرونا فرصتی برای بازنگری در شیوه زندگی و رجوع به ادبیات و گذشتگان ما بود.

دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو با بیان اینکه با مردم و مدیران شهر نیشابور برنامه‌های این بخش را پیش می‌بریم، تأکید کرد: ظرفیت‌های کمیسیون ملی یونسکو و یونسکو در خدمت گنجینه‌های کشور قرار می‌گیرد. جوانان بدانند که صاحب گنج و سرمایه‌ایم. سال گذشته شارل هانری دو فوشه کور مقالات شمس تبریزی را که از سوی استاد موحد جمع‌آوری شده بود در قالب کتابی با عنوان تجلیل از عطار نیشابوری نامگذاری شد.

ایوبی تصریح کرد: نگاه مردم به شهرهایی

نیشابوری در دنیا نوشته شده و افرادی همچون ژان کلود کربر، فیلمنامه نویس و بازیگر فرانسوی

محمدعلی شاه.

پیرا ادامه داد: آقای نیک‌نژاد که عضو هیات علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی هستند در بازخوانی اسناد این کتاب زحمت زیادی کشیدند. مقدمه مفصلی برای این کتاب نوشتام که نگاه تازه‌ای به بحث روایت و روایت‌گری در بررسی‌های تاریخی دارد. مقدمه یک بحثی تئوریک آغاز شده و به دنبال آن چگونگی انتقال بحث «روایت» و «روای» را در مسیر خود از ادبیات به رشته‌های دیگر باز می‌کند و در انتها به تاریخ منتهی می‌شود.

این پژوهشگر همچنین با اشاره به این نکته که روایت‌ها و نقل قول‌ها درباره امین‌السلطان از مکانیسم پس‌دینی روایان گذر کرده و به متن می‌رسد، گفت: یکی از روایان شخصیت میرزا علی اصغر خان اتابک که مدام با او در مرادوه و همکاری بوده، اعتمادالسلطنه است. او هم وزیر و عضو مجلس دارالشوری بود و یک ماه پیش از کشته شدن ناصرالدین شاه

بازار نشر، عادی نیست و این‌عرصه نیاز به حمایت دارد. من ناشر و دیگر همکارانم، هزینه اجاره دفتر و حقوق پرسنل را داریم که باید فکری برایشان بکنیم. بنابراین حمایتی که به آن اشاره کردم، باید زودتر از راه برسد؛ پیش از آن که ناشران زمین بخورند و نتوانند از جا برخیزند. پس از بحران کرونا، فرهنگ و هنر، جزو عرصه‌هایی بودند که بیشترین لطمه را خوردند. این‌شرایط باعث شد آسیب‌پذیری صنف ما برای همه مشخص شود. این‌که اهالی نشر آسیب‌پذیرترین قشر جامعه فرهنگی هستند و وقتی ادامه کار برای ناشران و مراکز پخش بزرگ سخت شده، باید دید برای ناشران و کتابفروشان کوچک‌تر تا چه‌حدی از فاجعه رسیده است. در چنین‌شرایطی باید واقعا فکر کرد آیا نویسندگی نباید یک حرفه محسوب شود که حقوق ثابت داشته باشد؟ تا اگر چنین‌وضعیتی پیش آمد، فرد بی‌کار محسوب نشود و درآمدی داشته باشد!

کیان‌افراز ادامه داد: به‌نظرم بهترین اتفاقی که الان باید در بازار نشر بیافتد، این است که تدبیری اندیشیده شود که با بودجه نمایشگاه کتاب چه باید کرد. این، بودجه‌ای است که هرسال ناشران و نقدینگی‌شان به آن احتیاج دارند و برنامه یک‌هسال نشرشان را براساس آن تنظیم می‌کنند. به‌هرحال همان‌طور که می‌دانید، چک‌های نُه‌ماهه، دهم‌ماهه و هزینه‌هایی که باید به‌صورت نقد پرداخت شوند، از دغدغه‌های مهم ذهنی ناشران کشور هستند. ناشران کشور تولید زیادی برای نمایشگاه داشتند و خود را آماده این‌رویداد کرده بودند بنابراین بودجه موردنظر نمایشگاه باید مورد کارشناسی قرار بگیرد تا به‌چه‌صورتی به صنعت نشر تزریق شود و بدنه نشر بتواند در این‌شرایط خاص، بهترین کارایی را داشته باشد.

وی در پایان گفت: اگر شرایط بهتر شود، می‌توان نمایشگاه را در تابستان برگزار کرد، چون خیلی از کارهای مربوط به این‌دوره نمایشگاه، جلو رفته بود. به‌نظرم بهتر است نمایشگاه در تابستان برگزار شود. در غیر این‌صورت باید برای برگزاری مجازی‌اش، کار کارشناسی زیادی انجام داد اما تا کار کارشناسی دقیقی صورت نگرفته، نباید هیچ اقدام عملی انجام شود، چه برگزاری فیزیکی باشد چه مجازی!

وی در پاسخ به سؤالی از خبرنگارانی که از او پرسیدند، گفت: «این نمایشگاه برای ما یک فرصت است. ما می‌توانیم به صورت بی‌پایان درباره ایده‌ها احتمالات می‌شود. ما می‌توانیم به صورت بی‌پایان درباره ایده‌ها خیال‌پردازی کنیم و آن‌ها را واقعی کنیم. بسیار از تایکا وایتیتی و رولد دال استوری تشکر می‌کنیم که این ابتکار بی‌نظیر را خلق و این مجموعه فوق‌العاده از ستارگان را جمع کردند. این حرکت بدون شک به نبرد مقابل نابرابری‌های سلامتی در بخش‌های مختلف دنیا کمک خواهد کرد».



را جا انداخت که قوه خیال باعث به وجود آمدن زنجیره‌ای از احتمالات می‌شود. ما می‌توانیم به صورت بی‌پایان درباره ایده‌ها خیال‌پردازی کنیم و آن‌ها را واقعی کنیم. بسیار از تایکا وایتیتی و رولد دال استوری تشکر می‌کنیم که این ابتکار بی‌نظیر را خلق و این مجموعه فوق‌العاده از ستارگان را جمع کردند. این حرکت بدون شک به نبرد مقابل نابرابری‌های سلامتی در بخش‌های مختلف دنیا کمک خواهد کرد».

موقوفات و ملاقات شمس با عطار در دوران نوجوانی اثرگذار بوده و این جای افتخار بوده است.

پیشنهادهای من کمک شهرهایی که می‌بایدگاه عاشقان شعر و ادبیات و عرفان هستند با هم کار کنند و در این اجلاس ها اهالی فکر و فرهنگ با چشم احترام به ایران نگاه می‌کنند.

ایوبی تأکید کرد: در یونسکو قطعنامه‌ای داریم که بر اساس آن هر دو سال یک بار شخصیت‌هایی که پنجاهمین و یکصدمین سالگردشان است، مورد توجه قرار می‌گیرند. کفرنامه همکاری درخواست کرده بودند یونسکو این رقم را از ۵۰ به ۲۵ سال تقلیل دهد و این در حالی است که سال گذشته و در بزرگداشت تأسیس دانشگاه جندی‌شاپور، شاهد ۱۷۵۰ امین سالگرد تأسیس این مرکز علمی ایرانی بودیم.

وی همچنین گفت: جهان غرب نگاهش به ایران است. خراسان محل تولد خورشید و نور است و خیام در همه عمرش تعداد دفعات اندکی از نیشابور خارج شده و انتظار داریم خراسان محل صدور فکر و اندیشه باشد و جهان پسا کرونا، استقبال بیشتری از فرهنگ و فکر و اندیشه خواهند کرد. فرصت‌ها می‌گذرد و اکنون که شرایط فراهم است باید کارهای فاخر و ارزشمندی برای کشور انجام دهیم.

فوت کرد. اعتمادالسلطنه در طبقات مختلف، مدام اخبار جامعه و دربار را رصد می‌کرد. در روایت‌هایی که اعتماد السلطنه از امین السلطان ارائه می‌دهد، می‌توان تأثیرات پس‌دهن او را مشاهده کرد.

سعد پیرا از پژوهشگران تخصصی تاریخ دوران قاجار است. تصحیح کتاب‌های عشاق پاریس یا مقدمه مفصلی بر تاریخ ترجمه با طول تاریخ قاجار» (با همکاری عباسقلی صادقی)، «سفرنامه کرمان و بلوچستان فیروز فیروز» (با همکاری منصوره اتحادیه)، «تصرت‌الدوله» مجموعه مکاتبات، اسناد و خاطرات فیروز میرزا فیروز» (با همکاری منصوره اتحادیه)، «دفتر ثبت احکامات حضرت والا شاهزاده عمادالسلطنه در حکومت شقایق و بلوکات ثلاث» (با همکاری بهمن بیانی)، «روز پست شهر: راپورت‌های نظمیه (پلیس مخفی) شیراز: تنخیزی از اسناد و مدارک عبدالاحسین میرزا فرمانفرما در حکومت فارس» (با همکاری منصوره اتحادیه و سعید روحی) و... و جمله آثار منتشر شده اوست.

اخبار

آدم مرموزهای سینمای ایران

مامور اطلاعاتی یکی از جذاب‌ترین کاراکترهای سینماست. واضح است درباره چیزی غیر از پلیس، حتی پلیس‌های مخفی که به درون سازمان‌های تبهکاری نفوذ می‌کنند صحبت می‌کنیم. مامور اطلاعاتی با امنیت ملی کشورش سرکار دارد و کار او لاجرم جنبه سیاسی هم پیدا می‌کند. در سینمای جهان از جدی‌ترین فیلم‌های سیاسی گرفته تا کاکاش‌های سرگرمی‌ساز، فیلم‌های متنوعی به این کاراکتر پرداختند و از جکی چان تا آل پاچینو بازیگران جور واجوری این نقش را بازی کرده‌اند.

البته این را تقریباً همه می‌دانند که در همان فیلم‌های سرگرمی‌ساز، وقتی قهرمان فیلم یک مامور امنیتی باشد، به‌هیچ‌وجه هدف پروژه صرفاً تولید سرگرمی محض و کسب سود تجاری نیست؛ بلکه به‌طور مستقیم و عمدتاً غیرمستقیم مسائل دیگری در حال القا شدن هستند. درهرحال نمی‌شود سوزه را سیاسی انتخاب کرد و محصول را کاملاً غیرسیاسی درآورد. در ایران با اینکه به‌جز کمدی در تمام ژانرهای سینمایی دیگر کم‌کاری و کم‌محصولی داشته‌ایم، می‌شود انواع تپه‌ها را از ماموران امنیتی دید و اتفاقاً تنها قالبی که چنین کاراکترهایی تابه‌حال در آن فرو نرفته‌اند، طنز و کمدی بوده است.

برخلاف آنچه غالباً تصور می‌شود، حساسیت نهادهای امنیتی در ایران، چندان متوجه تصویری نیست که از ماموران آن‌ها نشان داده می‌شود. مقایسه «به رنگ ارغوان» و «ارتفاع پست» که هر دو فیلم از یک کارگردان هستند، این را به‌خوبی روشن می‌کند. چهره مامور امنیتی ارتفاع پست چندان مثبت نبود، اما حساسیتی روی آن ایجاد نشد درحالی‌که به رنگ ارغوان اساساً با مشکل مواجه شد و دلایلی چیزهای دیگری بودند. در تپه‌سازی از ماموران امنیتی معمولاً تعصب کورکورانه وجود ندارد هرچند وفاداری عمیق می‌تواند وجود داشته باشد. اساساً بروز تعصب‌های کورکورانه با ذات چنین شغلی منافات دارد. باقی خصلت‌های انسانی و گاه فرابشری را می‌شود در ترکیب‌بندی ساختار کاراکترهایی که در سینمای ایران از ماموران اطلاعاتی و امنیتی ترسیم شده است، دید.

به بهانه آمدن سری دوم «اجرای نیمروز» به شبکه نمایش خانگی با عنوان «رد خون» و همچنین اکران دیجیتال فیلم «خروج» که در آن هم تصویری هرچند کوتاه از ماموران امنیتی ایران نمایش داده شد، هشت تپه برجسته از چنین کاراکترهایی در سینمای پس از انقلاب ایران فهرست شده‌اند. از این هشت تپه متفاوت و متنوع، چهره مورد ساخته دست ابراهیم حاتم‌کیا هستند که همین نشان می‌دهد او متخصص پرداختن به چهره‌های اطلاعاتی و امنیتی در سینمای ایران است. البته دو نوع شخصیت از ماموران امنیتی در فیلم خروج هم وجود دارند که نسبتاً کوتاه هستند. شاید پرداختن به تصویری که تابه‌حال از ماموران امنیتی در سینمای ایران نمایش داده شده، به‌نوعی بررسی نگاهی که سینمای ایران به مقوله امنیت ملی و سیاست‌های کلان و کلی نظام دارد هم باشد.

نمادی برای واقیتی

سلحشور در «ژانِس شیشه‌ای» نماد واقعیت است و درمقابل حاج کاظم قرار می‌گیرد که نماد آرمان‌گرایی بود. مشخص است که فیلم طرف آرمان را می‌گیرد و مخاطبش را هم با خود همراه می‌کند. حتی سلحشور را تنها با نام خانوادگی می‌شناسیم و حاج‌کاظم را به اسم کوچک. سلحشور و حاج‌کاظم هر دو دغدغه امنیت ملی را دارند، اما زاویه‌ای که هرکدام از این‌ها برای نگاه به چنین موضوعی دارند، متفاوت است. ژانِس شیشه‌ای فیلم پردیالوگی است و شخصیت‌های آن مقدار معتنابهی از مواضع‌شان را لابه‌لای دیالوگ‌ها به‌طور واضح بیان می‌کنند.

سلحشور که یک جنتلمن خونسرد به‌نظر می‌رسد، از این جهت با حاج‌کاظم شباهت دارد که آدمی درون‌گراست. جالب است که هم سلحشور و هم حاج‌کاظم کاراکترهای کم‌حرفی هستند، اما اینجا و در ژانِس کاتکسوس، دیگ واقعیت چنان می‌جوشد که هر‌دوی‌شان را به حرف می‌آورد. چیزی که باعث می‌شود سلحشور به‌رغم جذاب بودنش، دوست‌داشتنی نباشد، سردی بی‌رحمانه و منطقی اوست. او در این فیلم نه‌فقط یک مامور امنیتی، بلکه نمادی از یک نوع نگاه سیاسی و مدیریتی به‌خصوص در کشور است.

توریدیی انسانی

به رنگ ارغوان یکی از پرحاشیه‌ترین فیلم‌های سینمای ایران بود؛ البته تا قبل از اینکه اکران شود. هنوز هم وقتی می‌خوانند علیه سختگیری‌های ممیزی سیاسی استدلال کنند، به رنگ ارغوان را مثال می‌زنند که پس از پنج سال نه شنیدن از وزارت اطلاعات، بالاخره اکران شد و هیچ صدمه‌ای به امنیت ملی نزد. مشکل این فیلم نه تصویری که از یک مامور امنیتی نشان می‌دهد، بلکه تصویر آن نوع عملیات اطلاعاتی بود. ارغوان، دختری که مامور امنیتی فیلم در خانه‌اش دوربین کار می‌گذارد، هیچ جرمی مرتکب نشده و دستگاه‌های امنیتی نمی‌خواستند که این دوربین کار گذاشتن نمایش داده شود؛ درحالی‌که وقتی نمایش داده شد هیچ اتفاقی نیفتاد. مامور امنیتی این فیلم رفته‌رفته عاشق سوزه تحت‌نظرش می‌شود. او میان عشق و وظیفه‌گیر می‌افتد و از طرفی شخصیتی خونسرد و فرمان‌بردار نیست؛ بلکه براساس ایدئولوژی کار می‌کند. روی همین حساب، وظیفه برای او جنبه ایدئولوژیک دارد و گیر افتادن بین عشق و وظیفه، معنایی خاص پیدا می‌کند. این کاراکتر جذاب و همدلی‌برانگیز فیلم به رنگ ارغوان یکی از منحصره‌فردترین شخصیت‌ها در تاریخ سینمای ایران است.

پرداعا و مضحک

«ارتفاع پست» یک فیلم سراسر اعتراضی است. جنگ‌زده‌های خوزستان برای خلاصی از وضعیت‌شان راه هواپما را می‌دزدند... اینجا طبیعتاً باید با ماموران امنیت پرواز روبه‌رو شویم که همین‌طور هم می‌شود؛ اما حاتم‌کیا همان اول کار این امور را حذف نمی‌کند تا روند فیلم را طور دیگری ادامه بدهد. این فیلم بسیار شلوغ است و شخصیت‌های آن به‌قدری پرتعداد هستند که به هرکدام مقدار کمی فرصت عرضه می‌رسد. حتی شخصیت اصلی این فیلم نسبت به بسیاری از فیلم‌های دیگر، کمتر فرصت دیده شدن پیدا می‌کند. بااین‌حال بخشی هم به مامور امنیتی فیلم رسیده که اگر قرار باشد برای ارتفاع پست یک شخصیت محشر درنظر گرفته شود، این عنوان به همین مامور پرداعا می‌رسد. این مامور امنیتی نه مثل سلحشور در ژانِس شیشه‌ای نمادی از یک نوع نگاه سرد و واقع‌گرایانه به مسائل است که شاید در ارکان مدیریتی کشور هم نمود داشته باشد، نه مثل ماموری که در به رنگ ارغوان دیده شد، شخصیتی احساسی و لطیف دارد و حتی رمبو و بزین‌بهارد هم نیست. مامور امنیتی ارتفاع پست حتی آرمان هم ندارد و همه‌چیزش ادعاست. این حالت نمایشی و پردعا، شخصیت او را به‌رغم شغل خاصش مقداری انسانی و ملموس می‌کند. ادعاهای این مامور امنیتی گاهی شخصیت او را مضحک می‌کند. حتی پس از سقوط هواپما او بدون اینکه بداند در کجا فرود آمده‌اند، از اینکه در خاک بیگانگان نیستند و اسباب روکم‌کنی برای آن‌ها فراهم نشده، خوشحال است.

آخرین بازمانده عصر آرمان‌گرایی

حاج حیدر «بادیگارد»، تقریباً در همان جایگاهی قرار گرفته که سلحشور در ژانِس شیشه‌ای قرار گرفته بود؛ اما شخصیت خودش دنباله‌ای بر حاج‌کاظم است. بازمه آرمان و واقعیت مقابل هم قرار گرفته‌اند، اما این بار در فصل جدیدی از تاریخ سیاسی- اجتماعی ایران. عصا‌های از شخصیت حیدر ذبیحی در این جمله از زبان خود او خلاصه می‌شود که «من بادیگارد نیستم، من محافظم» او صراحتاً اعلام می‌کند که نمی‌خواهد امروزی باشد. حیدر به‌لحاظ ساختار شخصیتی، نه به روزگار فعلی که عصر واقع‌گرایی سرد و بی‌احساس است، بلکه به دوره آرمان‌گرایی تعلق دارد. چالش او با دوران جدید، چالشی است که بیرون از فیلم بادیگارد در ششون مختلف زیست ایرانی نمود دارد.سلحشور در ژانِس شیشه‌ای به حاج کاظم می‌گفت که «دوربات تمام شده مربی» و حالا چندی بعد دنباله همان حاج کاظم است، خودش در جایگاه شغلی سلحشور قرار می‌گیرد و دوره‌اش طی یک نمایش غم‌بار و دلگیر تمام می‌شود. حتی کسی که ایرانی نباشد و از تاریخ سیاسی این کشور طی چند دهه اخیر خبر نداشته باشد، با دیدن این فیلم و از روی شخصیت حیدر می‌تواند تا حدود زیادی درک کند که این کشور چه مسیری را از آرمان‌گرایی تا واقع‌گرایی در این سال‌ها طی کرده است.

بی‌پروا با شکاک

شاید خاطراتان نباشد، ولی اولین عکسی که از «ردخون» در رسانه‌ها پخش شد، تصویر دو مامور امنیتی این فیلم را نشان داد. جواد عزتی، بازیگر نقش «صادق» و هادی حجازی‌فر، بازیگر نقش «کمال» با هم گرم و شمایل عضو تیم عملیاتی اطلاعاتی «اجرای نیمروز» بودند. مخاطب با کمال صادق از قسمت اول «ماجرای نیمروز» آشنا بود و حتی در جشنواره سی و پنجم، گرم جواد عزتی محل بحث شده بود و از شباهتش به سعید امامی گفتند. سعید امامی یا سعید اسلامی از مأموران بلندپایه وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران و ازجمله چهره‌های جنجالی اواخر دهه ۷۰ بود.همان روزها سیدمحمود رضوی، تهیه‌کننده فیلم در پاسخ به سوالی درباره شباهت شخصیت صادق با سعید امامی گفت: «این نقش هیچ شباهتی به سعید امامی ندارد و سعید امامی در آن موقع در سپاه نبوده است.» اما قصه و شخصیت‌پردازی نقش کمال کمی فرق دارد. جواد عزتی بازیگر نقش کمال گفته که شخصیت او یک همتای واقعی دارد، کسی که در آن زمان عضو تیم عملیاتی بوده. من او را ندیدم، ولی فیلمنامه‌نویس‌های‌مان با او صحبت کردند. واکنش‌های احساسی «کمال» در مواجهه با واقعیت زندگی خواهرش، مخاطب را هم در موقعیت واکنش به آرمان «کمال» قرار می‌دهد؛ واکنشی که گاه همراه با خنده به این شخصیت بود و از سر شک به منطق برخورد با منافقین؛ اگرچه محمدحسین مهدویان کارگردان فیلم، شخصیت‌هایی که ساخته را الهام‌گرفته از مابه‌ازای واقعی می‌داند، هرکدام از این شخصیت‌ها در فیلم دراماتی‌ک‌تر شدند. برخی از منتقدان هر کدام از ماموران امنیتی که در فیلم نشان داده شده را نمادی از جریان‌ها و تفکراتی می‌دانند که در دستگاه‌های امنیتی هستند. جریان‌هایی که درمورد پدیده‌های مختلف امنیتی اختلاف نظر دارند. مثل کمال و صادق که دو جریان فکری و روشی را در دستگاه امنیتی نمایندگی می‌کنند. کمال بی‌پروا و صادق شکاک.

با اخلاق، ولی بی‌عرضه

«شیی که ماه کامل شد» نه قصه عبدالمالک ریگی است و نه قصه دستگیری او توسط نیروهای امنیتی. این فیلم یک قصه تلخ واقعی را تعریف می‌کند. سیر تغییر یک عاشق پینه به یک قاتل. شاید به خاطر همین باشد که کارگردان زیاد روی ماموران امنیتی و حضور آن‌ها در فیلم تکیه نمی‌کند. دو صحنه در فیلم گذاشته شده که تأکیدی صرف بر این دارد که وجوه انسانی یک مامور امنیتی را تصویر کند. البته همین تأکید اغراقی شده نه‌تن‌ها کمکی به نشان دادن تصویر واقعی یک مامور امنیتی نکرده است بلکه باعث شده که این ماموران شبیه آدمک‌هایی منفعل و بی‌کارکرد شوند.

یکی از همین صحنه‌ها مربوط به زمانی است که مامور امنیتی می‌تواند عبدالمالک ریگی را بکشد، ولی چون بهمانی از بغل اوست از انجام این کار امتناع می‌کند. صحنه دیگر هم تلاش یکی از ماموران برای نجات فاتزه منصوری قربانی اصلی ماجرا است که بی هیچ توجیه منطقی این تلاش هم ناکام می‌ماند. با اینکه فیلم از مشاوران امنیتی بهره برده، ولی هیچ اشاره‌ای به فرآیند عملیاتی ماموران در این دو صحنه ندارد. همین پرداخت دم‌دستی باعث شده که مخاطب با یک مامور امنیتی بی‌عرضه طرف باشد.